

بررسی رابطه انواع اختلالات آموزشی با اختلالات یادگیری، دانش آموزان مقطع ابتدایی از دیدگاه معلمان این مقطع در مدارس آموزش و پرورش ناحیه ۱ بندرعباس

مرتضی رحیمی، رضا ولایتی، عیسی سرودی، علمدار یوسفی

دپارتمان روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه انواع اختلالات آموزشی با اختلالات یادگیری، دانش آموزان مقطع ابتدایی از دیدگاه معلمان این مقطع در مدارس آموزش و پرورش ناحیه ۱ بندرعباس انجام شد. روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی و از نوع پیمایشی بود. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش معلمان ابتدایی شهرستان بندرعباس ناحیه ۱ به تعداد ۱۵۰ نفر بود که تعداد ۳۰ معلم به صورت نمونه گیری تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. این پژوهش دارای ۴ فرضیه بود که پس از تجزیه و تحلیل داده ها نتایج زیر حاصل شد: بین اختلال در یادگیری ریاضی و اختلالات یادگیری دانش آموزان رابطه وجود دارد، بین اختلال در خواندن و اختلالات یادگیری دانش آموزان رابطه وجود دارد، بین اختلال ارتباطات اجتماعی و اختلالات یادگیری دانش آموزان رابطه وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: اختلالات آموزشی، اختلالات یادگیری، اختلال در خواندن و اختلال در نوشتن.

مقدمه

دانش‌آموزان با اختلال در یادگیری باتوجه به انتظارات متناسب با سن و توانایی هوش، در یادگیری نارسایی قابل‌ملاحظه‌ای دارند به‌گونه‌ای که این نارسایی را نمی‌توان با عوامل محیطی یا نشانه‌های روانی به‌طور کامل تبیین کرد. در بیشتر سامانه‌های تشخیصی، اختلال‌های یادگیری را در کنار اختلال‌های ارتباطی و مهارت‌های حرکتی، نوعی اختلال رشدی می‌دانند. از سوی دیگر، اختلال‌های یادگیری از نظر مهارت‌هایی که در مدرسه آموخته می‌شوند، مانند خواندن، ریاضیات و نوشتن با سایر اختلال‌های رشدی فرق می‌کند. سه نوع عمده‌ی اختلال‌های یادگیری عبارت‌اند از: اختلال خواندن، اختلال ریاضیات و اختلال بیان نوشتاری. ناتوانی‌های یادگیری در قانون آموزش افراد با ناتوانی (IDEA) که مبتنی بر تعریف‌های قانونی قدیمی ناتوانی‌های یادگیری بود مورد تایید مجدد قرار گرفت. قانون آموزش افراد با ناتوانی‌ها، ناتوانی یادگیری را اختلاف در زبان‌گفتاری یا نوشتاری می‌دان که در اثر نارسایی در ناتوانی‌های گوش دادن، فکر کردن، خواندن، نوشتن، املا یا ریاضیات می‌داند. این تعریف کودکانی را که مشکلات یادگیری‌شان صرفاً در اثر مشکلات بینایی، شنوایی کم‌توانی ذهنی، مشکلات حرکتی یا محرومیت محیطی ایجاد شده است، شامل نمی‌شود. قانون آموزش افراد با ناتوانی‌ها و سایر قوانین و مقررات مرتبط، خدمات ویژه و آموزش رایگان را برای کودکانی که ناتوانی یادگیری دارند ضروری و اجباری می‌داند (علیزاده، ۱۳۸۴، ص ۲ و ۳).

به دلیل همپوشی قابل توجهی که میان مفهوم تشخیص اختلال یادگیری و مفهوم قانونی-آموزشی ناتوانی‌های یادگیری وجود دارد، امروزه، این دو مفهوم به جای یکدیگر استفاده می‌شوند. از این‌رو، در این پژوهش اصطلاح (Id) که مترجم اختلال یادگیری را انتخاب کرده است) به جای هر دو مفهوم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بیان مساله

در گستره حیات فردی و اجتماعی انسان، چیزهای زیادی برای یادگیری وجود دارد و یادگیری طیف بسیار وسیعی را در برمی‌گیرد؛ اما باتوجه به پیچیدگی نظام‌های اجتماعی امروز و اهمیت و سیطره فرهنگ مکتوب در جوامع کنونی و گسترش پیگیر و روزافزون دانش و اطلاعات، سواد به مفهوم یادگیری خواندن، نوشتن و حساب از بنیادی‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای بشر امروز به‌عنوان پایه‌ای برای یادگیری‌های دیگر وی محسوب می‌گردد، اما به رغم اهمیت یادگیری در زندگی اجتماعی انسان، کم نیستند کودکانی که ظاهری طبیعی دارند، رشد جسمی و قد و وزنشان حاکی از بهنجار بودن آنهاست، هوششان کم‌وبیش عادی است اما هنگامی که به مدرسه می‌روند و می‌خواهند خواندن، نوشتن و حساب کردن را یاد بگیرند، دچار مشکلات جدیدی می‌شوند و خود را متفاوت از دیگران می‌بینند و گاهی توسط معلمان‌شان مورد شماتت قرار می‌گیرند. این وضعیت که باعث حیرانی والدین آنها می‌شود، توسط متخصصان با عنوان اختلالات یادگیری شناخته شده است. کمیته مشورت ملی در مورد کودکان ناتوان (۱۹۶۸) اختلالات یادگیری را این‌گونه تعریف می‌کند: کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری در یک یا چند فراگرد اساسی روانی در ارتباط با فهمیدن یا کاربرد زبان شفاهی یا کتبی ناتوانی نشان می‌دهند. این ناتوانی ممکن است به صورت اختلال در گوش دادن، فکر کردن، سخن گفتن، خواندن، نوشتن، هجی کردن یا حساب بروز کند. این اختلالات ناشی از نقایص ادراکی، ضایعه مغزی، اختلال جزئی در کارکرد مغز، نارسخوانی، اختلال گویایی و غیره است. اختلال یادگیری این کودکان از نوع مشکلاتی همچون بینایی، شنوایی یا نقایص حرکتی، عقب‌ماندگی ذهنی، پربیشانی عاطفی و کمبود امکانات محیطی نیست (عرفانی، ۱۳۷۶: ص ۶۱).

محقق در این پژوهش درصدد این است که بداند از دیدگاه معلمان چه عواملی باعث شیوع اختلالات یادگیری دانش‌آموزان مقطع ابتدایی می‌باشند و نقش هر یک از این عوامل چقدر است؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

شیوع اختلال در یادگیری را طبق گزارش کمیته ملی مشورتی کودکان ناتوان (معلول) از یک تا سه درصد کودکان مدرسه رو

می دانند اما تخمین شیوع اختلالات یادگیری یکسان نیست؛ دامنه ۱ تا ۳۰ درصد در پژوهشهای مختلف گزارش شده است. در مطالعه مرویان حسینی (۱۳۷۶) میزان شیوع اختلالات یادگیری ۸ درصد ذکر شده است. از نظر تفاوت‌های جنسی، گزارشهای به دست آمده از مدارس و کلینیکها، رواج ۴ به ۱ را بین پسرها و دخترها مطرح کرده اند. به هر حال، مطالعات همه گیرشناسی و طولی نشان داده اند که این تفاوت ممکن است واقعی نباشد و تعداد دختران و پسران ناتوان در یادگیری برابر باشد. در بروز اختلالات یادگیری عوامل مختلف آموزشی، محیطی، روان شناختی و حتی ژنتیکی دخیل اند. دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری که در ترکیب با یک کلاس عادی درس می خوانند بیشتر از همسالان سالم خود مورد طرد قرار می گیرند و منزوی می شوند. برخی معتقدند که دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری، در کلاس، پرخاشگری و بدرفتاری بیشتری را نمایش می دهند. عزت نفس و خودپنداره ضعیف هم می تواند تأثیری منفی بر پیشرفت بگذارد. در بین کودکان مبتلا به ناتوانیهای یادگیری، آن دسته که عزت نفس پایینی دارند نسبت به آنهایی که دارای عزت نفس مناسبی هستند، از لحاظ تحصیلی عملکرد بدتری دارند. مرویان حسینی (۱۳۷۶)، در مطالعه ای به این نتیجه رسید که میزان مشکلات رفتاری در دانش آموزان دارای اختلالات خواندن و نوشتن بیشتر از دانش آموزان عادی است و این دانش آموزان (دارای اختلالات خواندن و نوشتن) از رشد اجتماعی و عزت نفس پایین تری برخوردار هستند. همچنین مطالعات، نقایصی را در ادراک بینایی یا شنیداری این کودکان نشان داده اند. حداقل ۳۳ درصد از دانش آموزان ناتوان در یادگیری مشکل در توجه دارند (نریمانی و رجبی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۳ و ۲۳۴). به دلیل مشکلاتی که در ایجاد ارتباط با تعدادی از مبتلایان به اختلالات یادگیری وجود دارد، و همچنین شناسایی و تشخیص صحیح بیماری براساس گزارشات مراقبین و پرستاران، استفاده از چارچوبی سازمان یافته الزامی است. در درمان افراد مبتلا به اختلالات یادگیری، متأسفانه توجهات کافی مبذول نمی شود (عبدی و مهدی فر، ۱۳۸۶، ص ۶۳).

با انجام پژوهش هایی در این زمینه می توان به خانواده هایی که دارای فرزند مبتلا به اختلالات یادگیری هستند کمک نمود و راه حل هایی ارائه داد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی:

بررسی رابطه انواع اختلالات آموزشی با اختلالات یادگیری، دانش آموزان مقطع ابتدایی از دیدگاه معلمان این مقطع در مدارس آموزش و پرورش ناحیه ۱ بندرعباس در سال تحصیلی ۹۳-۹۲

اهداف جزئی:

- بررسی رابطه بین اختلال در یادگیری ریاضی و اختلالات یادگیری دانش آموزان
- بررسی رابطه بین اختلال در خواندن و اختلالات یادگیری دانش آموزان
- بررسی رابطه بین اختلال در نوشتن و اختلالات یادگیری دانش آموزان
- بررسی رابطه بین اختلال ارتباطات اجتماعی و اختلالات یادگیری دانش آموزان

پیشینه پژوهشی تحقیق

عرفانی (۱۳۷۶، ص ۵۲)، در پژوهشی با عنوان بررسی تنوع اختلالات یادگیری در بین دانش آموزان ابتدایی استان کردستان نشان داد که از نظر نوع اختلال، تفاوت معنی داری بین انواع اختلالات یادگیری وجود دارد و شایع ترین نوع اختلال یادگیری، اختلال یادگیری حساب می باشد. به طور کلی ۱۲/۵٪ از دانش آموزان گروه نمونه دچار اختلالات یادگیری هستند و میان متغیرهای این پژوهش با انواع اختلالات یادگیری، تفاوت معنی داری وجود دارد؛ اما رابطه میان سابقه مردودی و زبان مادری با اختلالات یادگیری معنی دار نیست.

شریعتی (۱۳۸۷، ص ۴۹)، در پژوهشی با عنوان ناتوانی های یادگیری، اختلالهای یادگیری بیان داشت از آنجا که دانش آموزان

در مدارس عادی به دلیل برخورداری از ظاهر بدون مشخصه معلولیتی به یک نگاه و روش مورد آموزش و پرورش قرار می‌گیرند، دسته‌ای از این دانش‌آموزان بنا به دلایلی (ارثی، محیطی، عاطفی و ...) دچار ناتوانی در یک حوزه (نوشتن، خواندن، ریاضی یا زبان شفاهی) هستند.

لویس (۱۹۹۱)، نشان داد که در بسیاری از موارد اختلا بیش فعالی همراه با نقص توجه و اختلال یادگیری همبودی دارند. گفته می‌شود که ۲۵-۲۰٪ کودکان مبتلا به اختلال بیش فعالی همراه با نقص توجه مبتلا به اختلال یادگیری می‌باشند (علاقبندراد و مؤمنی ۱۳۷۹، ص ۳۳).

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع مطالعات توصیفی و همبستگی است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش معلمان مقطع ابتدایی در مدارس آموزش و پرورش ناحیه ۱ بندرعباس در ۸ مدرسه به تعداد ۱۵۰ نفر می‌باشد. از بین جامعه آماری ذکر شده تعداد ۳۰ معلم به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات:

ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه ارزشیابی راتر (جهت تعیین میزان اختلالات رفتاری کودکان) می‌باشد که این پرسشنامه توسط معلمان پاسخ داده شد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

در این پژوهش با کمک یک کارشناس آمار پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آمار توصیفی (جدول، نمودار، انحراف معیار، میانگین و ...) تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها:

فرضیه اول: بین اختلال در یادگیری ریاضی و اختلالات یادگیری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. اختلال در یادگیری ریاضی دانش‌آموز در سوال ۱۹، ۱۸ و ۲۰ آزمون مورد ارزیابی قرار گرفته است. در هر سه سوال پاسخگویان گزینه‌های همیشه، تقریباً همیشه و هیچ وقت را انتخاب نموده‌اند. میانگین بدست آمده برای سوال اول ۳۰۱۳ و سوال دوم ۳۰۱۰ و سوال سوم ۲۰۵۷ انحراف معیار بترتیب ۱۰۵۱۷، ۱۳۳۲ و ۱۰۴۳۱ می‌باشد.

لذا برابر نمودارهای فراوانی بدست آمده و مقادیر بدست آمده برای شاخص‌های آماری به خصوص میانگین کل این سه سوال که ۲۰۹۳ می‌باشد نشان دهنده بالا بودن نقش اختلالات یادگیری ریاضی در اختلالات یادگیری می‌باشد و فرضیه تحقیق تایید می‌شود.

فرضیه دوم: بین اختلال در خواندن و اختلالات یادگیری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

اختلال در خواندن از سوال ۲ تا ۶ آزمون مورد ارزیابی قرار گرفته است. بیشترین پاسخ داده شده به این سوال‌ها گزینه گاهی و همیشه می‌باشد و بیشترین میانگین بدست آمده ۳۰۴۳ برای یادگیری هجاها و کمترین ۲۰۵۷ برای یادگیری نام حرف‌ها است. بیشترین انحراف معیار استاندارد ۱۰۵۷۴ می‌باشد و در اکثریت سوال‌ها بسیار کمتر از این مقدار است میانگین کل این پنج سوال که ۲۰۹۸ می‌باشد نشان دهنده بالا بودن نقش اختلالات خواندن در اختلالات یادگیری می‌باشد.

در صورتی که کلیه پاسخ‌های بدست آمده را بعنوان یک متغیر واحد در نظر بگیریم جدول زیر بدست می‌آید:

جدول ۱: درصد و درصد از موارد مربوط به اختلال در خواندن

درصد از موارد	اختلال در خواندن		
	درصد	تعداد	
96.7%	19.3%	29	هیچ وقت
96.7%	19.3%	29	بندرت
100.0%	20.0%	30	گاهی
133.3%	26.7%	40	همیشه
73.3%	14.7%	22	تقریبا همیشه
500.0%	100.0%	150	مجموع

بیشترین گزینه انتخابی در این جدول ۲۶.۷٪ برای همیشه است که در کنار میانگین های تقریبا بالای بدست آمده و انحراف معیار های پایین نمایانگر بالابودن تاثیر اختلالات خواندن در اختلالات یادگیری می باشد و فرضیه تحقیق تایید می شود. فرضیه سوم: بین اختلال در نوشتن و اختلالات یادگیری دانش آموزان رابطه وجود دارد.

اختلال در نوشتن از سوال ۱ و ۱۴ تا ۱۷ آزمون مورد ارزیابی قرار گرفته است. بیشترین پاسخ داده شده به این سوال ها گزینه همیشه می باشد و بیشترین میانگین بدست آمده ۳.۱۰ برای نوشتن اعداد در یک ستون و کمترین ۲.۷۷ برای آشفته بودن نوشته ها است. بیشترین انحراف معیار استاندارد ۱.۴۵۵ می باشد و در دیگر سوال ها بسیار کمتر از این مقدار است. میانگین کل این پنج سوال که ۲.۹۲ می باشد نشان دهنده بالا بودن نقش اختلالات نوشتن در اختلالات یادگیری می باشد. در صورتی که کلیه پاسخ های بدست آمده را بعنوان یک متغیر واحد در نظر بگیریم جدول زیر بدست می آید:

جدول ۲: درصد و درصد از موارد مربوط به اختلال در نوشتن

درصد از موارد	اختلال در نوشتن		
	درصد	تعداد	
100.0%	20.0%	30	هیچ وقت
113.3%	22.7%	34	بندرت
80.0%	16.0%	24	گاهی
140.0%	28.0%	42	همیشه
66.7%	13.3%	20	تقریبا همیشه
500.0%	100.0%	150	مجموع

بیشترین گزینه انتخابی در این جدول ۵۷.۸ برای همیشه است و با توجه به اینکه درصد زیادی از پاسخگویان همیشه دچار اختلال در نوشتن هستند و همچنین به علت اینکه اغلب میانگین ها از ۲.۵ بیشتر و انحراف معیار های پایین می باشد نمایانگر تایید فرضیه تحقیق می باشد.

فرضیه چهارم: بین اختلال ارتباطات اجتماعی و اختلالات یادگیری دانش آموزان رابطه وجود دارد. ارتباطات اجتماعی از

سوال ۷ تا ۱۳ آزمون مورد ارزیابی قرار گرفته است. بیشترین پاسخ داده شده به این سوال ها گزینه بندرت می باشد و بیشترین میانگین بدست آمده ۳.۵۰ برای فهم احساسات و کمترین ۲.۶۰ برای درک درستی از وضعیت اجتماعی نداشتن می باشد. بیشترین انحراف معیار استاندارد ۱.۵۴۸ می باشد.

در صورتی که کلیه پاسخ های بدست آمده را بعنوان یک متغیر واحد در نظر بگیریم جدول زیر بدست می آید:

جدول ۳: درصد و درصد از موارد مربوط به ارتباطات اجتماعی

درص از موارد	ارتباطات اجتماعی		
	درصد	تعداد	
130.0%	18.6%	39	هیچ وقت
156.7%	22.4%	47	بندرت
150.0%	21.4%	45	گاهی
126.7%	18.1%	38	همیشه
136.7%	19.5%	41	تقریباً همیشه
700.0%	100.0%	210	مجموع

بیشترین گزینه انتخابی در این جدول ۲۲.۴٪ برای بندرت است و میانگین کل این چند سوال (۷-۱۳) ۲.۹۷۷ می باشد و با توجه به اینکه از ۲.۵ بیشتر می باشد لذا فرضیه تحقیق تایید می شود.

نتیجه گیری

این پژوهش دارای ۴ فرضیه بود که پس از تجزیه و تحلیل داده ها نتایج زیر به دست آمد:

فرضیه اول: بین اختلال در یادگیری ریاضی و اختلالات یادگیری دانش آموزان رابطه وجود دارد. اختلال در یادگیری ریاضی دانش آموز در سوال ۱۸، ۱۹ و ۲۰ آزمون مورد ارزیابی قرار گرفته است. در هر سه سوال پاسخگویان گزینه های همیشه، تقریباً همیشه و هیچ وقت را انتخاب نموده اند. میانگین بدست آمده برای سوال اول ۳.۱۳ و سوال دوم ۳.۱۰ و سوال سوم ۲.۵۷ انحراف معیار بترتیب ۱.۳۳۲، ۱.۵۱۷ و ۱.۴۳۱ می باشد. لذا برابر نمودارهای فراوانی بدست آمده و مقادیر بدست آمده برای شاخص های آماری به خصوص میانگین کل این سه سوال که ۲.۹۳ می باشد نشان دهنده بالا بودن نقش اختلالات یادگیری ریاضی در اختلالات یادگیری می باشد

فرضیه دوم: بین عوامل مدرسه ای و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

اختلال در خواندن از سوال ۲ تا ۶ آزمون مورد ارزیابی قرار گرفته است. بیشترین پاسخ داده شده به این سوال ها گزینه گاهی و همیشه می باشد و بیشترین میانگین بدست آمده ۳.۴۳ برای یادگیری هجاها و کمترین ۲.۵۷ برای یادگیری نام حرف ها است. بیشترین انحراف معیار استاندارد ۱.۵۷۴ می باشد و در اکثریت سوال ها بسیار کمتر از این مقدار است. لذا برابر نمودارهای فراوانی بدست آمده و مقادیر بدست آمده برای شاخص های آماری به خصوص میانگین کل این پنج سوال که ۲.۹۸ می باشد نشان دهنده بالا بودن نقش اختلالات خواندن در اختلالات یادگیری می باشد و فرضیه تحقیق تایید می شود.

فرضیه سوم: بین اختلال در نوشتن و اختلالات یادگیری دانش آموزان رابطه وجود دارد.

اختلال در نوشتن از سوال ۱ و ۱۴ تا ۱۷ آزمون مورد ارزیابی قرار گرفته است. بیشترین پاسخ داده شده به این سوال ها گزینه همیشه می باشد و بیشترین میانگین بدست آمده ۳.۱۰ برای نوشتن اعداد در یک ستون و کمترین ۲.۷۷ برای آشفته بودن نوشته ها است. بیشترین انحراف معیار استاندارد ۱.۴۵۵ می باشد و در دیگر سوال ها بسیار کمتر از این مقدار است. میانگین

کل این پنج سوال که ۲.۹۲ می باشد نشان دهنده بالا بودن نقش اختلالات نوشتن در اختلالات یادگیری می باشد؛ که در کنار میانگین های تقریباً بالای بدست آمده و انحراف معیار های پایین فرضیه تحقیق تایید می شود.

فرضیه چهارم: بین ارتباطات اجتماعی و اختلالات یادگیری دانش آموزان رابطه وجود دارد. ارتباطات اجتماعی از سوال ۷ تا ۱۳ آزمون مورد ارزیابی قرار گرفته است. بیشترین پاسخ داده شده به این سوال ها گزینه بندرت می باشد و بیشترین میانگین بدست آمده ۳.۵۰ برای فهم احساسات و کمترین ۲.۶۰ برای درک درستی از وضعیت اجتماعی نداشتن می باشد. بیشترین انحراف معیار استاندارد ۱.۵۴۸ می باشد؛ و میانگین کل این چند سوال (۷-۱۳) ۲.۹۷۷ می باشد و با توجه به اینکه از ۲.۵ بیشتر می باشد لذا فرضیه تحقیق تایید می شود.

پیشنهادات

- با توجه به یافته های بدست آمده از فرضیه ها در بالا چند پیشنهاد به شرح زیر عنوان می شود:
- ۱- با توجه به اینکه پژوهش حاضر محدود به ۸ مدرسه ناحیه ۱ بندرعباس بود پیشنهاد می شود این پژوهش در دیگر شهرهای استان نیز انجام شود.
 - ۲- بالا بردن آگاهی خانواده ها و والدین در روستاها برای همکاری با محققان دانشجو
 - ۳- قرار دادن نتایج چنین پژوهش هایی در مدرسه ها جهت آگاهی والدین و معلمان جهت پیشرفت دانش آموز
 - ۴- آموزش به خانواده ها از سوی مدرسه برای کاهش اختلالات یادگیری دانش آموز
 - ۵- برنامه ریزی بلندمدت برای تقویت و از بین بردن ضعف های دانش آموزان
 - ۶- ساخت پرسش نامه هایی ساده تر و پربارتر برای تحقیق های بیشتر در حوزه یادگیری

منابع:

۱. تبریزی، مصطفی (۱۳۸۰)، درمان اختلالات خواندن، انتشارات گفتمان خلاق، چاپ اروین، چاپ اول.
۲. عبدی، فاطمه، مهدی فر، فاطمه (۱۳۸۶)، راهی به سوی فردا: اختلالات یادگیری و بهداشت روانی، مجله رشد مشاور مدرسه، تابستان - شماره ۸.
۳. عرفانی، نصرالله (۱۳۷۶)، بررسی تنوع اختلالات یادگیری در بین دانش آموزان دوره ابتدایی استان کردستان، مجله تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش)، زمستان ۱۳۷۶ - شماره ۵۲.
۴. علیزاده، حمید (۱۳۸۴). اختلال های یادگیری: انواع، ارزیابی، درمان، مجله تعلیم و تربیت استثنائی، خرداد و تیر - شماره ۴۲ و ۴۳.
۵. معافی، محمود (۱۳۷۰)، زبان آموزی و اختلالات یادگیری، مجله رشد معلم، بهمن - شماره ۸۰.
۶. نریمانی، محمد و رجیبی، سوران (۱۳۸۸)، بررسی شیوع و علل اختلالات یادگیری در دانش آموزان دوره ابتدایی استان اردبیل، پژوهش در حیطه کودکان استثنایی ۱۷، سال پنجم، شماره ۳، پاییز.

Investigating the Relationship between Various Educational Disabilities and Learning Disabilities of Elementary School Students from the Viewpoints of Elementary School Teachers in District 1 Education Department of Bandar Abbas

Morteza Rahimi, Reza Velayati, Eisa Soroudi, Alamdar Yousefi

Department of Psychology, Islamic Azad University, Qeshm, Iran

Abstract

The purpose of this study is to investigate the relationship between various educational disabilities and learning disabilities of elementary school students from the perspective of elementary school teachers from District 1 Education Department of Bandar Abbas City. A descriptive - survey research method has been used in this study. The study population consists of 150 elementary school teachers in District 1 Education Department of Bandar Abbas, among whom 30 teachers were selected as the simple size using simple random sampling method. This research had four hypotheses and the researchers reached the following conclusions after the data analysis: There is a relationship between math learning disability and students' learning disabilities, there is a relationship between reading disability and students' learning disabilities; there is a relationship between the writing disability and students' learning disabilities; there is a relationship between the reading disability and students' learning disabilities; and there is a relationship between social communication disability and students' learning disabilities.

Keywords: educational disabilities, learning disabilities, reading disability, writing disability.
